

محافظه‌کاری فرهنگی و سیاسی: اهمیت بنیان‌های اخلاقی

(صفحات ۷۷ تا ۹۴)

دکتر محمودرضا رهبر قاضی^۱ * سمانه رحمانی^۲ * ابوالفضل باقری اژیبه^۳

پذیرش: ۹۴/۴/۱۷

دریافت: ۹۴/۲/۱۶

چکیده

سنجش تأثیر بنیان‌های اخلاقی بر زوایای مختلف زندگی فرهنگی و اجتماعی و سیاسی مشکل است زیرا هنوز داده‌های کافی در این مورد وجود ندارد. اما بدون شک نفوذ عوامل اخلاقی بر رفتار انسان قطعی است. اولویت‌های اخلاقی اگرچه به خودی خود تعیین کننده نیستند اما یک مؤلفه از نظام پیچیده عوامل علی هستند که می‌توانند عامل برانگیزاننده مهمی در بلند مدت باشند. در این راستا، در این پژوهش سعی شده است تا با استفاده از الگوی بنیان‌های اخلاقی هیت و گراهام، به بررسی تأثیرات ارزش‌های اخلاقی بر جهت گیری شهروندان نسبت به محافظه‌کاری در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان پرداخته شود. این پژوهش همچنین به مقایسه میزان اهمیت نسبی بنیان‌های اخلاقی به عنوان متغیر تبیین کننده هر یک از نگرش‌های محافظه‌کاری

۱. استادیار علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان (rahbargazi@gmail.com)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان (rahmaniei@gmail.com)

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان (bagheriii@gmail.com)

سیاسی و فرهنگی می‌پردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بنیان‌های اخلاقی با ضریب تعیین ۴۵٪ بیشترین واریانس محافظه‌کاری فرهنگی را توضیح می‌دهد. همچنین، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تنها دو متغیر مراقبت و احترام به مرجعیت بر روی متغیر محافظه‌کاری سیاسی تاثیرگذار هستند که در این میان درحالی که اخلاق مراقبت باعث کاهش محافظه‌کاری سیاسی می‌گردد، اما متغیر احترام به مرجعیت باعث افزایش گرایش به محافظه‌کاری سیاسی می‌شود. از سوی دیگر یافته‌ها برای محافظه‌کاری فرهنگی حاکی از آن است که سه متغیر مراقبت، احترام به مرجعیت و تقدس عوامل تأثیرگذار بر روی محافظه‌کاری فرهنگی بودند. در این راستا، درحالی که متغیرهای تقدس و احترام به مرجعیت باعث افزایش گرایش به محافظه‌کاری فرهنگی می‌گردد اما متغیر مراقبت افزایش در میزان کثرت‌گرایی فرهنگی را سبب می‌شود.

واژگان کلیدی: مراقبت، عدالت، وفاداری به گروه، احترام به مرجعیت، تقدس و محافظه‌کاری

مقدمه

به نظر می‌رسد کاندیداها و گروه‌های سیاسی مختلف هزینه‌های زیادی را به منظور جذب شهروندان به سمت خود صرف می‌کنند، اما همان‌طور که کیندر^۱ (۱۹۹۸) نشان می‌دهد علیرغم منافع شخصی ارتباط ضعیف و بی‌ثباتی میان چنین اقدامات و رفتارهای سیاسی شهروندان وجود داشته است. شهروندان همچنین به غیر از منافع شخصی گاهی ممکن است به دلیل مسائل هیجانی به سمت جهت‌گیری سیاسی خاصی حرکت کنند. برای مثال همان‌طور که بالف و تودوروف^۲ (۲۰۰۷) نشان می‌دهند چهره رهبران سیاسی ممکن است بر گرایش‌های سیاسی افراد تأثیر گذارد. اما در سال‌های اخیر توجه زیادی به نقش عوامل غیر انتفاعی در گرایش افراد به سمت رویکردهای سیاسی صورت گرفته است.

در این راستا، هر چند در چندین سال گذشته اندیشمندان اجتماعی توجه زیادی به منابع بیولوژیک ماهیت انسان و رفتارهای سیاسی وی داشته‌اند. اما فراسوی علوم موجود در این زمینه، اخیراً نظریات متعددی درباره مکانیسم‌های درونی که زیربنای قضاوت‌های اخلاقی و سیاسی است توسط اندیشمندانی از قبیل بوهم^۳ (۲۰۱۲)، قارچلند و همکاران^۴ (۲۰۱۱)، املر^۵ (۲۰۰۲)، هیت (۲۰۰۱) و لیبرمن^۶ (۲۰۱۳) ارائه شده است. در این راستا، بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهند که احساسات قوی در مورد درستی یا نادرستی می‌تواند باعث هدایت شهروندان به سمت سیاست‌مداران یا گروه‌های سیاسی خاصی شود. به همین دلیل است که هیت و گراهام^۷ (۲۰۰۷) معتقدند که افراد اعتقادات سیاسی و اجتماعی خود را بر اساس مبانی اخلاقی از قبیل مراقبت (مواظبت از آسیب)، عدالت (انصاف)، تقدس (خلوص) و غیره پایه‌ریزی می‌کنند. یکی از برجسته‌ترین افرادی که در زمینه موضوعات اخلاقی کار کرده است

1. Kinder
2. Ballew & Todorov
3. Boehm
4. Churchland
5. Emler
6. Lieberman
7. Haidt & Graham

جاناناتان هیت می‌باشد. هیت و جوزف (۲۰۰۴) استدلال می‌کنند که انسان‌ها به لحاظ روانشناختی در موضوعات مختلف دارای مبانی اخلاقی، تمایلات باطنی و بینش‌های متفاوتی هستند. هیت (۲۰۱۲) با مطالعه ادبیات انسان‌شناسان در این زمینه استدلال می‌کند که بسیاری از موضوعات و مسائل سیاسی بر اساس پنج بنیان اخلاقی شکل گرفته است که عبارتند از: آسیب، انصاف، درون‌گروه، اقتدار و سرانجام خلوص. مولفه آسیب عمدتاً بر اساس تلاش انسان به منظور جلوگیری از تحمل سختی‌ها و همچنین همدردی و مراقبت از دیگران تعریف می‌شود. اصل انصاف دربرگیرنده مفاهیمی از قبیل عدالت، برابری، عمل متقابل و رفتارهای بدون تبعیض است. اصل درون‌گروه بر وفاداری و جهت‌گیری به سمت گروه و همچنین تشکیل «ما» تأکید می‌کند. اصل اقتدار مستلزم اهمیت قائل شدن نسبت به سنت‌ها، نظم اجتماعی سلسله‌مراتبی و احترام نسبت به صاحبان اقتدار می‌باشد. سرانجام اصل خلوص بر مواردی از قبیل اهمیت قائل شدن نسبت به شیوه‌های رفیع زندگی و تقدسات فرهنگی تمرکز می‌کند.

نظریه بنیان‌های اخلاقی به لحاظ ماهوی برای مطالعه فرهنگ‌ها و نه افراد تهیه شده است. این نظریه به بحث در مورد ویژگی‌های شخصیتی و یا ایدئولوژی‌های سیاسی نمی‌پردازد. بلکه این نظریه توسط دو روانشناس با نام‌های هیت و جوزف (۲۰۰۴) که تحت تأثیر انسان‌شناس مشهوری با نام ریچارد شدر^۱ قرار داشتند ارائه شده است تا به بررسی اخلاقیات و فرهنگ‌ها بپردازند. جوزف و هیت سعی می‌کنند تا عناصر مسلط اخلاقی در سه کشور برزیل، هند و مصر را استخراج کنند. آن‌ها هم سو با شدر استدلال می‌کنند که فرهنگ و روان تحت تأثیر هم یکدیگر را ایجاد می‌شوند. اما با این حال هیت، گراهام و نوزک (۲۰۰۹) استدلال می‌کنند که روان یک طرف خالی نیست؛ بلکه حاوی ابزارها یا بلوک‌های معینی است که در طی دوران تکامل پیدا می‌کند، به طوری که در طی دوران تکامل در مراحل مختلف زندگی، روان و فرهنگ با هم دیگر ادغام پیدا می‌کنند. در حقیقت هیت و جوزف (۲۰۰۷) عمدتاً تحت تأثیر نظریه فرانس دوال^۲ قرار دارند که معتقد بود این بلوک‌های مشخص - عمدتاً عاطفی -

1. Richard Shweder

2. de Waal

حتی در روان حیوانات نیز وجود دارد. آن‌ها قصد ندارند تا فضایی که در همه فرهنگ‌ها کاربرد دارند را شناسایی کنند، همچنین آن‌ها تلاشی به منظور ایجاد یک طبقه‌بندی جهانشمول که بتواند همه فضایل جهانشمول را دربرگیرد نمی‌کنند، بلکه آن‌ها سعی می‌کنند تا بهترین بنیان‌های روانشناختی را که نظام‌های اخلاقی فرهنگ‌ها را ایجاد می‌کند مشخص سازند.

گراهام و همکاران وی (۲۰۰۹) استدلال می‌کنند که پنج اصل اخلاقی یعنی آسیب، انصاف، وفاداری به درون‌گروه، اقتدار و سرانجام تقدس سیستم‌های روان‌شناختی هستند که مردم را قادر می‌سازند تا رفتارها و کنش‌های صورت گرفته در محیط اجتماعی را به عنوان اموری قابل ستایش و یا سزاوار سرزنش ملاحظه کنند، اما این سیستم‌های روانشناختی به مانند ویژگی‌های شخصیتی نیستند که در سطح فردی اتفاق بیفتند. این سیستم‌های روانشناختی عمدتاً معانی و فحوائی اخلاقی دارند که افراد مختلف در سراسر جهان از شکل‌های متفاوت آن برخوردار هستند. فرهنگ‌های متفاوت بر اساس مبانی و بنیان‌های منحصر به فرد خود به شیوه‌های متفاوت، زندگی اخلاقی خاص خود یعنی ارزش‌ها، هنجارها، فضایل، عادات، نهادها و حتی مذاهب را ایجاد می‌کنند. بنابراین آن‌ها معتقدند که بنیان‌های اخلاقی به شکل مستقیم قابل اندازه‌گیری نمی‌باشد، بلکه چنین اصولی براساس میزان اهمیت فضایل موجود در هر فرهنگی قابل اندازه‌گیری می‌باشد. همچنین هیت (۲۰۰۸) استدلال می‌کند که یکی از اهداف وی در طرح موضوع بنیان‌های اخلاقی توسعه و تعمیق پژوهش در مورد روانشناسی اخلاقی است. وی اشاره می‌کند که قصد دارد تا پژوهشگران به فراسوی مکتب اخلاقی کلببرگ (۱۹۶۹) و گیلیگان (۱۹۸۲) حرکت کنند. هیت و همکاران (۲۰۰۹) استدلال می‌کنند که بنیان‌های اخلاقی نه تنها برای فهم بهتر متغیرهای شخصیتی مرتبط با رویکرهای سیاسی مفید است، بلکه باعث ایجاد تئوری‌های تبیینی می‌شود که از طریق آن معنی منازعات اخلاقی موجود در جنگ‌های فرهنگی قابلیت درک بیشتری خواهد داشت. هیت (۲۰۰۷) معتقد است که اصول اخلاقی می‌تواند به لحاظ علی میزان حمایت مردم از کاندیداها و گروه‌های سیاسی را تحت تأثیر قرار دهد و آن‌ها را به سمت احزاب دموکرات یا محافظه‌کار بکشانند. فهم کارکردهای چنین اخلاقیاتی نه تنها به منظور درک بهتر حوزه‌های سیاسی بلکه برای تحلیل جامع‌تر

تغییرات روزمره صورت گرفته در افکار عمومی دارای اهمیت زیادی است. لاکوف^۱ (۲۰۰۴) معتقد است افرادی که برخلاف منافع شخصی خود یکی از رویکردهای سیاسی موجود در کشور را اتخاذ می‌کنند، یا کسانی هستند که ارزش‌ها برایشان اهمیت زیادی دارد و یا اشخاصی هستند که به دنبال روایت خاص خود در مورد یک جامعه مطلوب هستند. اما به نظر می‌رسد ایده‌های موجود در زمینه جامعه مطلوب یا همان مدینه فاضله ایده‌هایی جهانشمول و مشترک در بین همه مردم نیستند. در این راستا مفهوم جنگ‌های فرهنگی که هونت^۲ (۱۹۹۱) از آن صحبت می‌کند جنگ‌هایی براساس مبانی اخلاقی متفاوت هستند. به همین دلیل است که گفته می‌شود الزامات ایدئولوژیک الزاماتی اخلاقی هستند و آنها ضرورتاً استراتژی‌هایی برای تقویت منافع شخصی نیستند.

این پژوهش سعی دارد تا به بررسی نظریه بنیان‌های اخلاقی بپردازد؛ نظریه‌ای که به منظور توصیف تفاوت‌های اخلاقی در میان فرهنگ‌های گوناگون ایجاد شده است. به همین دلیل این پژوهش تلاش می‌کند تا با استفاده تئوری فوق‌الذکر مشخص کند که تفاوت‌های اخلاقی چه تأثیری بر گرایش به طیف‌های سیاسی گوناگون در جامعه دانشجویان دارد. این پژوهش براساس یک فرضیه اساسی بنیان نهاده شده است: نظام اخلاقی افراد دموکرات تحت تأثیر دو ویژگی روانشناختی آسیب و عدالت قرار دارد. در صورتی که نظام اخلاقی افراد محافظه‌کار عمدتاً بر اساس ویژگی‌های روانشناختی درون‌گروه، اقتدار و تقدس تعریف می‌شود.

۱. مبانی نظری

همان‌طور که اشاره شد، هرچند روانشناسان رویکردها و جهت‌گیری‌های سیاسی را از دیدگاه‌های متفاوتی مطالعه کرده‌اند اما اخیراً محققان علاقه زیادی به سمت مطالعه رفتارهای سیاسی بر اساس چشم‌اندازهای شناخت‌شناسی اجتماعی و همچنین انگیزشی پیدا کرده‌اند (جاست، ۲۰۰۶). این چارچوب‌های مطالعاتی جدید استدلال می‌کنند که وجود اعتقادات سیاسی مختلف براساس تنوع نیازهای انگیزشی صورت می‌گیرد. اما به

1. Lakoff
2. Hunter

نظر می‌رسد اخیراً محققان گرایش بیشتری به سمت روانشناسی اخلاقی پیدا کرده‌اند و معتقدند که سیستم‌های اخلاقی ارتباط نزدیکی به جهت‌گیری‌های سیاسی دارند (گراهام و همکاران، ۲۰۰۹).

در این راستا، ریشه‌های نظریه بنیان‌های اخلاقی به پژوهش‌های شدر و همکاران وی (۱۹۸۷) برمی‌گردد که در پژوهش خود نشان می‌دهد قلمروهای اخلاقی شهروندان هندی در مقایسه با پاسخگویان تحصیل کرده هندی بالاتر است. همچنین تحقیقات هنریک^۱ و همکاران وی (۲۰۱۰) نیز نشان می‌دهد که حوزه‌های اخلاقی در فرهنگ‌های غربی، تحصیل کرده، صنعتی شده، ثروتمند و دموکراتیک در مقایسه با فرهنگ‌های جوامع دیگر نسبتاً محدودتر هستند. در حالی که چنین جوامعی بر حفظ افراد از آسیب و استثمار تاکید می‌کنند اما در جوامع سنتی‌تر عرصه‌های اخلاقی وسیع‌تری از قبیل نگرانی درباره حفاظت از گروه، نهادها، سنت‌ها و نظم اخلاقی وجود دارد. هیت و همکاران او (۱۹۹۳) با تایید یافته‌های بنیادین شدر نشان می‌دهند که در درون خود آمریکا نیز طبقات اجتماعی ثروتمندتر نسبت به طبقات دیگر حوزه‌های اخلاقی محدودتری دارند. همچنین هیت و هرش^۲ (۲۰۰۱) اولین بار شواهدی را در مورد کاربرد نظریات شدر در مباحث سیاسی مطرح ساختند: آن‌ها نشان دادند افرادی که محافظه‌کارتر بودند دارای بینش اخلاقی وسیع‌تری بودند و استفاده بیشتری از اخلاقیات مطرح شده می‌کردند.

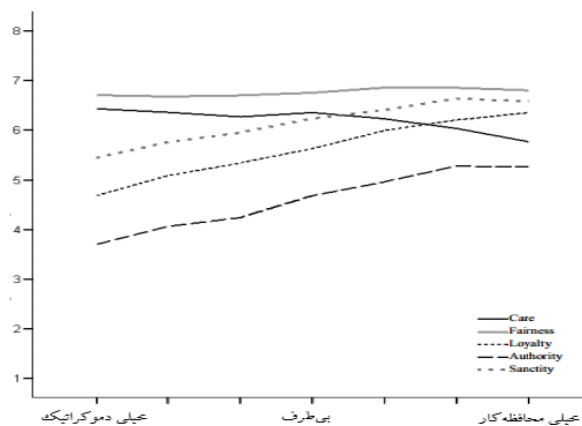
به نظر می‌رسد برای اولین بار نظام اخلاقیات شدر توسط هیت و گراهام (۲۰۰۷) در پنج خرده‌مقیاس تقسیم‌بندی گردید. آن‌ها پیش‌بینی می‌کنند که افراد دموکرات بیشتر از محافظه‌کاران بر روی مولفه‌های آسیب و انصاف تاکید می‌کنند (مؤلفه‌هایی که بر استقلال و خودبنیادی انسان تاکید می‌کنند) اما محافظه‌کاران اتکای بیشتری بر روی وفاداری، اقتدار (مؤلفه‌هایی که بر اساس نظریه شدر بر اساس هویت گروهی به وجود می‌آیند) و تقدس (مطابق با اخلاق الوهیت مورد اشاره شدر) دارند. گراهام، هیت و نوزک^۳ (۲۰۰۹) به منظور بررسی دقیق‌تر این پیش‌بینی ابتدا مقیاسی را در این زمینه طراحی کردند. یافته‌های آن‌ها در این زمینه نشان داد که پیش‌بینی‌های آن‌ها در زمینه

1. Henrich
2. Haidt and Hersh

رابطه مؤلفه‌های بنیان‌های اخلاقی و نوع نگرش سیاسی کاملاً قابل تأیید است و بسیاری از مطالعات بعدی نیز که به شیوه‌ها و روش‌های مختلف صورت گرفته بود وجود این الگوهای بنیادین را تأیید کردند.

هیت و گراهام (۲۰۰۷) استدلال می‌کنند که تئوری بنیان‌های اخلاقی می‌تواند در تبیین بسیاری از جنبه‌های جنگ‌های فرهنگی از جمله قلمرو جنگ‌های فرهنگی، اصرار بر جنگ‌های فرهنگی و عدم توانایی دو طرف در فهم هم دیگر (به این دلیل که الگوهای اخلاقی آنها از همدیگر بسیار متفاوت است) کمک کند. آن‌ها همسو با بسیاری از سنت‌های شهودی استدلال می‌کنند که در بسیاری از موضوعات مرتبط با جنگ‌های فرهنگی نباید انتظار داشت افرادی که بنیان‌های اخلاقی متفاوتی دارند در گفتگو با یکدیگر متقاعد شوند؛ زیرا نگرش‌ها و قضاوت‌ها درباره بسیاری از موضوعات خاص و منحصر به فرد فرهنگی بر شیوه‌های شهودی عمیق و نه استدلال‌های مطرح شده در طی مباحثه و گفتگو مبتنی هستند.

نمودار شماره ۱- میانگین میزان ابعاد مختلف بنیان‌های اخلاقی



در این راستا، یافته‌های تجربی زیادی با استفاده از شیوه‌های مختلف در زمینه رابطه بنیان‌های اخلاقی و رویکرد سیاسی صورت گرفته است. برای مثال، گراهام، هیت و نوزک (۲۰۰۹) در پژوهشی که به چهار شیوه مختلف صورت گرفته بود نشان می‌دهند که افراد دموکرات برای مولفه‌های آسیب و انصاف بیشتر از محافظه‌کاران اهمیت قائل

می‌شوند. اما این در حالی است که از دیدگاه افراد محافظه‌کار اهمیت مؤلفه‌های وفاداری، اقتدار و تقدس بیش از دموکرات‌ها است. همچنین نتایج پژوهش گراهام و همکاران (۲۰۱۱) که در ۱۱ منطقه مختلف جهان صورت گرفته بود، کاملاً با یافته‌های گذشته در سال ۲۰۰۹ انطباق داشت.

سرانجام، مک‌آدام^۱ و همکاران (۲۰۰۸) طی مصاحبه‌های عمیقی که با بسیاری از گروه‌های کاملاً مذهبی که دارای مشارکت سیاسی بالایی بودند، نشان می‌دهند که پژوهش آنان به شکلی قوی می‌تواند تئوری بنیان‌های اخلاقی را حمایت کند. آن‌ها در این زمینه استدلال می‌کنند:

هنگامی که از پاسخگویان می‌خواستیم تا به شکلی جزئی‌تر در مورد ماهیت اعتقادات اخلاقی و دینی خود توضیح دهند، افراد محافظه‌کار و دموکرات به شکل مهیجی اشکال متفاوتی از گفتمان‌های اخلاقی را مطرح می‌کردند. در حالی که محافظه‌کاران در مورد احترام به اقتدار و انضباط، وفاداری عمیق به خانواده و کشور و تلاش زیاد به منظور پاکدامنی صحبت می‌کردند اما افراد لیبرال درباره تلاش خود به منظور کاهش رنج‌ها و آمال دیگران و همچنین نگرانی آن‌ها در مورد انصاف، عدالت و برابری بحث می‌کردند (مک‌آدام و همکاران، ۲۰۰۸: ۹۸۷).

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش، یک بررسی پیمایشی است. از نظر هدف، یک بررسی بنیادین است. و از نظر روش یک بررسی همبستگی است. برای تعیین حجم نمونه از نرم افزار Sample power استفاده شد که با حجم اثر ۰/۰۵، حجم نمونه ۳۸۰ نفر با توان ۰/۸۰ کافی به نظر می‌رسید. در این راستا تعداد ۴۳۰ پرسشنامه در بین کل دانشجویان دانشگاه اصفهان به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای پخش شد که به دلیل زایل شدن پاره‌ای از پرسشنامه‌ها هنگام گردآوری داده‌ها و عدم امکان استفاده از آنها، ۴۲۸ پرسش‌نامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

1. McAdams

۱-۲. ابزارهای پژوهش

۱. پرسشنامه بنیان‌های اخلاقی: روان‌شناسان اجتماعی، دانشمندان علوم اعصاب و علوم رفتاری شروع به درمان قضاوت اخلاقی و تصمیم‌گیری به عنوان یک موضوع اصلی تحقیق، کرده‌اند. با این وجود امروزه، هنوز هم پژوهش در این زمینه تا حد زیادی محدود به مسائل مربوط به آسیب و انصاف است. کلبرگ قطعاً متوجه شده بود که مردم گاهی اوقات قضاوت‌های اخلاقی‌شان را بر اساس توجیهاتی در سطح گروه و نگرانی‌های اخلاقی مانند قدرت، وفاداری و سنت انجام می‌دهند اما او فکر می‌کرد که چنین تفکری نارس و مرسوم بود و بخشی از «قانون و نظم» اخلاق در مرحله چهارم تحول اخلاقی است. برای حل این مشکل هیت و گراهام (۲۰۰۷) به ایجاد تئوری بنیان‌های اخلاقی (MFT) و پرسشنامه مبانی اخلاقی پرداختند که به اندازه‌گیری پنج بعد اخلاقی مراقبت (این بعد به سیستم‌های دلبستگی ما و توانایی احساس و دوست نداشتن درد دیگران و فضائلی مثل مهربانی، نجابت و پرورش مربوط می‌شود)، عدالت (این بعد به روند تکاملی نوع دوستی متقابل مربوط می‌شود تولید ایده‌هایی مثل عدالت، حقوق و استقلال)، وفاداری به گروه (این بعد انسان‌ها را به عنوان موجودات قبیله‌ای که قادر به تشکیل ائتلاف هستند در نظر می‌گیرد این زمینه مربوط به فضائلی مثل وطن پرستی و از خودگذشتگی برای گروه است)، احترام به مرجعیت (این بعد بر اساس تعاملات اجتماعی سلسله مراتبی شکل گرفته است. این زمینه مربوط به فضائلی مثل رهبری و از جمله احترام به اقتدار مشروع و احترام به سنت‌ها است) و تقدس (این بعد بر اساس مفاهیم دینی و تلاش برای زندگی در یک سطح عالی و اصیل و کمتر نفسانی است) می‌پردازد و استفاده از این پنج بنیان اخلاقی فراهم آوردن فرصتی برای درک بهتر تنوع اخلاقی است. این مقیاس شامل ۳۰ عبارت است که به منظور ارزیابی و سنجش ابعاد پنج‌گانه اخلاق که به عقیده هیت و گراهام این پنج بعد، ابعاد اساسی و بنیادی اخلاق در بین فرهنگ‌ها و هویت‌های مختلف قومی، نژادی و زبانی هستند، می‌پردازد. ضریب پایایی پرسشنامه برای متغیر آسیب ۰/۶۹، برای متغیر عدالت، ۰/۷۲، برای متغیر وفاداری به گروه ۰/۷۲، برای متغیر احترام به مرجعیت ۰/۷۲ و برای متغیر تقدس ۰/۸۹ به دست آمد.

۲. پرسشنامه جهت گیری سیاسی: ابزار دیگر مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه و محافظه کاری/دموکراسی سیاسی و همچنین محافظه کاری فرهنگی بود. این پرسشنامه با بهره گیری از مقیاس لیکرت دارای ۲۱ سوال است که البته سه سوال مربوط به محافظه کاری/لیبرالیسم به دلیل عدم انطباق با شرایط بومی ایران حذف شد. ضریب پایایی پرسشنامه برای متغیر محافظه کاری/لیبرالیسم در حوزه های سیاسی ۰/۷۲ و برای محافظه کاری در حوزه های فرهنگی ۰/۸۹ به دست آمد.

۳. یافته های پژوهش

در این قسمت به تحلیل و آزمون داده های پژوهش پرداخته شده است. ابتدا آماره های توصیفی مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته ارائه شده و سپس نتایج آزمون ضریب تعیین متغیرهای مورد نظر پژوهش و ارتباط بین متغیرها آمده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش

انحراف استاندارد	میانگین	حداکثر	حداقل	
۰/۷۰	۴/۴۰	۶/۰۰	۱/۸۳	مراقبت
۰/۷۰	۴/۷۰	۶/۰۰	۱/۸۳	عدالت
۰/۴۷	۴/۳۶	۶/۰۰	۱/۰۰	وفاداری به گروه
۰/۸۹	۴/۰۸	۶/۰۰	۱/۰۰	احترام به مرجعیت
۰/۸۱	۴/۴۵	۶/۰۰	۱/۸۳	تقدس
۱/۲۲	۳/۷۷	۶/۰۰	۱/۰۰	محافظه کاری فرهنگی
۱/۰۶	۳/۱۴	۶/۰۰	۱/۰۰	محافظه کاری سیاسی

میانگین و انحراف معیار زیرمقیاس های بنیان های اخلاقی به تفکیک در جدول شماره ۱ ارائه شده است. برای مقایسه بهتر وضعیت ارزش های فرهنگی شهروندان تمامی نمرات در دامنه ۱ تا ۶ محاسبه شدند. میانگین نمره متغیرهای بنیان های اخلاقی محاسبه شده برای تمامی افراد شرکت کننده در این پژوهش بین ۴/۰۸ تا ۴/۷۰ بود. حال اگر نمره متوسط برای بنیان های اخلاقی را ۳/۵ و نمره بالا برای بنیان های اخلاقی را ۶ در نظر بگیریم می توان گفت میزان بنیان های اخلاقی شرکت کنندگان

این پژوهش اندکی بالاتر از متوسط بوده است. در رابطه با ابعاد مختلف بنیان‌های اخلاقی به ترتیب بعد انصاف یا عدالت با میانگین ۴/۷۰ بالاترین میانگین را به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر کمترین میانگین مربوط به بعد احترام به مرجعیت با میانگین ۴/۰۸ می‌باشد.

همچنین میانگین و انحراف معیار ابعاد محافظه کاری نیز به تفکیک در جدول شماره ۱ ارائه شده است. برای مقایسه بهتر وضعیت محافظه کاری در بین پاسخگویان تمامی نمرات در محدوده ۱ تا ۶ محاسبه شدند. میانگین نمره متغیر محافظه کاری سیاسی محاسبه شده برای تمامی افراد شرکت کننده در این پژوهش ۳/۱۴ بود. حال اگر نمره متوسط برای محافظه کاری سیاسی را ۳/۵ و نمره بالا برای آن را ۶ در نظر بگیریم می‌توانیم بگوییم که گرایش پاسخ گویان به نگرش دموکراسی بیشتر از محافظه کاری سیاسی می‌باشد. بنابراین می‌توان استدلال کرد پاسخگویان مورد مطالعه در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی از تفکر دموکراتیک بیشتر حمایت می‌کنند و اعتقاد کمی به سانسور، حکم اعدام، اطاعت بی‌چون و چرا از نهادهای دولتی و مواردی از این قبیل دارند. از سوی دیگر، یافته‌ها در مورد نگرش محافظه کاری فرهنگی نشان می‌دهد که افراد مورد بررسی در حوزه‌های فرهنگی و دینی تا حدودی محافظه کار هستند گرایش کمتری به پلورالیسم و کثرت‌گرایی در این عرصه‌ها دارند.

جدول ۲. میزان واریانس محافظه کاری سیاسی بر حسب بنیان‌های اخلاقی

سطح معناداری	F	ضریب تعیین تعدیل یافته	ضریب تعیین	همبستگی چندگانه
۰/۰۰	۳۲/۲۵۳	۰/۳۲۸	۰/۳۳۹	۰/۵۸۲

جدول بالا به دنبال بررسی میزان تأثیر بنیان‌های اخلاقی بر روی محافظه کاری سیاسی در بین افراد مورد بررسی است. به عبارت دیگر، هدف این جدول بررسی واریانس کلی تبیین شده توسط مدل بنیان‌های اخلاقی است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد بنیان‌های اخلاقی حدود ۳۳٪ واریانس نگرش محافظه کاری سیاسی را تبیین می‌کند. همچنین سطح معناداری به دست آمده برای مقدار F نشان می‌دهد ضریب در سطح $p < ۰/۰۵$ معنادار است. به عبارت دیگر مدل مورد بررسی این پژوهش که از ۵ متغیر

بنیان‌های اخلاقی تشکیل یافته است مدل قابل قبولی برای تبیین محافظه‌کاری سیاسی می‌باشد.

جدول ۳. ضرایب رگرسیون به ازای رگرسیون هر بعد از بنیان‌های اخلاقی بر محافظه‌کاری سیاسی

	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	t	سطح معناداری
	B	Std. Error	Beta		
عرض از مبدأ	۱/۹۶	۰/۳۸		۵/۱۵۹	۰/۰۰۰
مراقبت	-۰/۲۸	۰/۱۰	-۰/۱۷	-۷۱/۲	۰/۰۰۰
عدالت	-۰/۱۸	۰/۱۰	-۰/۱۲	-۶۹/۱	۰/۰۹
وفاداری به گروه	۰/۰۵	۰/۰۹	۰/۰۳	۰/۵۱	۰/۶۰
احترام به مرجعیت	۰/۶۹	۰/۰۸	۰/۵۸	۴۷/۸	۰/۰۰۰
تقدس	۰/۰۵	۰/۰۹	۰/۰۴	۰/۶۲	۰/۵۳

جدول شماره ۳ معادله رگرسیون رابطه میان بنیان‌های اخلاقی با نگرش محافظه‌کاری سیاسی را به تصویر می‌کشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دو متغیر مراقبت و احترام به مرجعیت بر روی محافظه‌کاری سیاسی تأثیر معناداری داشته‌اند. جهت آماره t نشان‌دهنده این امر است درحالی که مراقبت تأثیر منفی بر روی گرایش افراد به محافظه‌کاری سیاسی می‌گذارد اما تأثیر احترام به مرجعیت بر روی محافظه‌کاری سیاسی مثبت می‌باشد. به عبارت دیگر، مقدار ضریب بتا (-۰/۱۷) نشان می‌دهد که به هر میزان مقدار و اهمیت ارزش مراقبت در افراد افزایش می‌یابد گرایش آن‌ها به گروه‌های محافظه‌کاری در حوزه‌های سیاسی کمتر می‌شود و افراد به سوی دموکراسی سیاسی گرایش پیدا می‌کنند. از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد زمانی که اهمیت ارزش احترام به مرجعیت برای افراد بیشتر می‌شود جهت‌گیری‌های سیاسی آنان به سمت محافظه‌کاری افزایش یافته و به سمت گروه‌های سیاسی اقتدارگراتر حرکت می‌کنند. همچنین، یافته‌های این تحقیق نشان داد که متغیرهای دیگر بنیان‌های اخلاقی تأثیر معناداری بر گرایش افراد به محافظه‌کاری سیاسی نداشته است.

جدول ۴. میزان واریانس محافظه کاری فرهنگی بر حسب بنیان های اخلاقی

سطح معناداری	F	ضریب تعیین تعدیل یافته	ضریب تعیین	همبستگی چندگانه
۰/۰۰۰	۶۶/۵۰	۰/۴۴	۰/۴۵	۰/۶۷

جدول فوق به دنبال بررسی میزان تأثیر بنیان های اخلاقی بر روی محافظه کاری فرهنگی در بین افراد مورد مطالعه است. به عبارت دیگر، هدف این جدول بررسی واریانس کلی تبیین شده توسط مدل بنیان های اخلاقی است. همان طور که نتایج نشان می دهد بنیان های اخلاقی حدود ۴۵٪ واریانس نگرش محافظه کاری سیاسی را تبیین می کند. همچنین سطح معناداری به دست آمده برای مقدار F نشان می دهد ضریب در سطح $p < ۰/۰۵$ معنادار است. به عبارت دیگر مدل مورد بررسی این پژوهش که از ۵ متغیر بنیان های اخلاقی تشکیل یافته است مدل قابل قبولی برای تبیین محافظه کاری فرهنگی می باشد.

جدول ۵. ضرایب رگرسیون به ازای رگرسیون هر بعد از بنیان های اخلاقی بر محافظه کاری فرهنگی

سطح معناداری	t	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	Beta
		B	Std. Error		
۰/۰۱۳	۲/۴۸	۰/۹۹	۰/۴۰		
۰/۰۰۰	-۴/۲۱	-۰/۴۷	۰/۱۱	-۰/۲۶	
۰/۷۲	۰/۳۵	۰/۰۴	۰/۱۲	۰/۰۲	
۰/۷۹	-۰/۲۵	-۰/۰۲	۰/۱۰	-۰/۰۱	
۰/۰۰	۷/۵۳	۰/۶۳	۰/۰۸	۰/۴۶	
۰/۰۰	۵/۳۲	۰/۴۹	۰/۰۹	۰/۳۲	

جدول شماره ۵ معادله رگرسیون رابطه میان بنیان های اخلاقی با نگرش محافظه کاری فرهنگی را به تصویر می کشد. نتایج پژوهش نشان می دهد که سه متغیر مراقبت و احترام به مرجعیت و تقدس بر روی محافظه کاری فرهنگی تأثیر معنادار داشته اند. جهت آماره t نشان دهنده این امر است، در حالی که مراقبت تأثیر منفی بر روی گرایش افراد

به محافظه‌کاری فرهنگی می‌گذارد، اما تأثیر احترام به مرجعیت و تقدس بر روی محافظه‌کاری فرهنگی مثبت می‌باشد. به عبارت دیگر، مقدار ضریب بتا (۰/۲۶-) نشان می‌دهد که به هر میزان مقدار و اهمیت ارزش مراقبت در افراد افزایش می‌یابد گرایش آن‌ها به گروه‌های محافظه‌کاری در حوزه‌های فرهنگی کمتر می‌شود و افراد به سوی کثرت‌گرایی فرهنگی گرایش پیدا می‌کنند. از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد زمانی که اهمیت ارزش احترام به مرجعیت و تقدس برای افراد بیشتر می‌شود جهت‌گیری‌های فرهنگی آنان به سمت محافظه‌کاری افزایش یافته و به سمت گروه‌های فرهنگی متصل‌تر حرکت می‌کنند. همچنین، یافته‌های این تحقیق نشان داد که متغیرهای دیگر بنیان‌های اخلاقی از قبیل وفاداری به گروه و عدالت تأثیر معناداری بر گرایش افراد به محافظه‌کاری فرهنگی نداشته است.

۴. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی چگونگی تاثیرات بنیان‌های اخلاقی بر روی نگرش‌های سیاسی و فرهنگی پاسخگویان پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داد که در برخی جهات میان اخلاقیات محافظه‌کاران و افراد آزادی‌خواه‌تر تفاوت وجود دارد. با خلاصه کردن یافته‌های پژوهش می‌توان سه مورد مهم را اشاره کرد: اولاً بنیان‌های اخلاقی انسان‌ها برخلاف نظریه‌های کلبرگ و گیلیگان تنها شامل عدالت و مراقبت نمی‌شود. دوم اینکه نظام اخلاقی افراد دموکرات‌تر را می‌توان بر اساس دو اصل مراقبت و عدالت تبیین کرد، این در حالی است که بنیان‌های اخلاقی محافظه‌کاران شامل دو اصل احترام به مرجعیت و تقدس می‌باشد. سوم اینکه با شناسایی این بنیان‌های اخلاقی می‌توان امیدوار بود هنگامی که افراد محافظه‌کار و دموکرات درباره موضوعات اخلاقی حرف می‌زنند به شناسایی دیدگاه‌های سیاسی و فرهنگی آنان دست زد. بنابراین به نظر می‌رسد یافته سوم حتی مهم‌تر از دو نکته اول می‌باشد.

همان‌طور که اشاره شده بود، نظریه بنیان‌های اخلاقی تلاش می‌کند تا بسیاری از ابهامات در نگرش‌های افراد و گروه‌های اجتماعی را حل نماید. در این راستا، این نظریه با مشخص کردن مجموعه‌ای از تمایلات روان‌شناختی که با ارزیابی‌ها و قضاوت‌های اخلاقی و سیاسی ارتباط نزدیکی دارند سعی می‌کند پارامترهای درونی

زندگی سیاسی انسان‌ها را مشخص سازد. این نظریه با توسعه مجموعه‌ای از سؤالات بدیع پیمایشی، مکانیسم‌هایی را که می‌تواند توسط محققان دیگر به منظور آزمون این ادعاها مورد استفاده قرار گیرد، فراهم می‌سازد. بدین ترتیب جهت علمی تصور کردن نظریه بنیان‌های اخلاقی، این تئوری نیازمند تکرار در مکان‌ها و زمان‌های مختلف است. در این راستا، یافته‌های این پژوهش می‌تواند برخی از محدودیت‌های نظریه بنیان‌های اخلاقی را مشخص کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نظریه هیت در مورد مجموعه‌های اخلاقی متفاوت افراد دموکرات و محافظه‌کار حداقل در جامعه مورد بررسی چندان دقیق و مشخص نیست. چراکه برای مثال مولفه وفاداری به گروه نمی‌تواند تاثیری بر روی هیچ کدام از ابعاد محافظه کاری بگذارد.

با این حال نباید ناامیدانه به موضوع نگریست. چراکه اولاً به نظر می‌رسد بنیان‌های اخلاقی می‌تواند درصد نسبتاً قابل توجهی از ابعاد محافظه کاری سیاسی (۰/۳۳) و محافظه کاری فرهنگی (۰/۴۵) را تبیین نماید. این امر که این نظریه توان تبیین بالایی در مسائل سیاسی و فرهنگی را دارد، می‌تواند اهمیت این نظریه را بیش از پیش مشخص سازد. از سوی دیگر، یافته‌ها در مورد محافظه کاری سیاسی و فرهنگی نشان می‌دهد که اولاً مولفه مراقبت تأثیر منفی‌ای بر روی محافظه کاری سیاسی و فرهنگی دارد و باعث گرایش افراد به سمت دموکراسی در حوزه‌های سیاسی و کثرت‌گرایی فرهنگی می‌شوند که این امر با یافته‌های بسیاری از محققان از جمله گراهام، هیت و نوزک (۲۰۰۹) کاملاً هم سو و منطبق است. از سوی دیگر، یافته‌های این پژوهش همسو با نظریات هیت و گراهام (۲۰۰۷) نشان می‌دهد که دو متغیر تقدس و احترام به مرجعیت تأثیر مثبتی بر روی محافظه کاری سیاسی و فرهنگی دارد.

در پایان لازم است به این امر اشاره شود که نمونه آماری این پژوهش شامل ۴۲۸ نفر بود. اعتقاد نویسندگان این پژوهش آن است که این تعداد حجم نمونه توان لازم و کافی (۰/۹۰) برای آزمون تأثیرات مؤلفه‌های اخلاقی بر نگرش‌های پاسخگویان را دارد. با این حال انتظار بر آن است جهت نتیجه‌گیری بهتر در مورد نتایج این پژوهش باید تحقیقات دیگری در این زمینه در سطوح مختلف کشور و در بین اقشار، طبقات و قومیت‌های مختلف صورت گیرد تا با قاطعیت بیشتری در این مورد سخن گفت.

فهرست منابع

- Ballem, C. C. & Todorov, A. (2007). Predicting political elections from rapid and unreflective face judgments. *Proceedings of the National Academy of Sciences, USA*, 104, 17948–17953.
- Boehm, C. (2012). *Moral origins: The evolution of virtue, altruism, and shame*. Basic Books.
- Gilligan, C. (1982). *In a different voice: Psychological theory and women's development*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Graham, J., Haidt, J. & Nosek, B. A. (2009). Liberals and conservatives rely on different sets of moral foundations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 96, 1029-1046.
- Graham, J., Nosek, B. A., Haidt, J., Iyer, R., Koleva, S., & Ditto, P. H. (2011). Mapping the moral domain. *Journal of Personality and Social Psychology*, 101, 366-385.
- Haidt, J. (2001). The emotional dog and its rational tail: A social intuitionist approach to moral judgment. *Psychological Review*, 108, 814–834.
- Haidt, J. (2007). The new synthesis in moral psychology. *Science*, 316, 998-1002.
- Haidt, J. (2008). Morality. *Perspectives on Psychological Science*, 3, 65–72.
- Haidt, J. & Graham, J. (2007). When morality opposes justice: Conservatives have moral intuitions that liberals may not recognize. *Social Justice Research*, 20, 98–116.
- Haidt, J. & Joseph, C. (2004). Intuitive ethics: How innately prepared intuitions generate culturally variable virtues. *Daedalus: Special Issue on Human Nature*, 133(4), 55–66.
- Haidt, J. & Joseph, C. (2007). The moral mind: How five sets of innate intuitions guide the development of many culture-specific virtues, and perhaps even modules. In P. Carruthers, S. Laurence & S. Stich (Eds.), *The innate mind* (Vol. 3, pp. 367-391). New York, NY: Oxford University Press.
- Haidt, J., Koller, S. & Dias, M. (1993). Affect, culture, and morality, or is it wrong to eat your dog? *Journal of Personality and Social Psychology*, 65, 613–628.
- Haidt, J. (2012) *The righteous mind: Why good people are divided by politics and religion*. Random House LLC.
- Hunter, J. D. (1991). *Culture wars: The struggle to define America*. New York: Basic Books.
- Jost, J. T. (2006). The end of the end of ideology. *American Psychologist*, 61, 651–670.
- Kinder, D. E. (1998). Opinion and action in the realm of politics. In D. Gilbert, S. Fiske & G. Lindzey (Eds.), *Handbook of social psychology* (Vol. 2, 4th ed., pp. 778–867). Boston: McGraw-Hill.
- Kohlberg, L. (1969). *Stage and sequence: The cognitive–developmental approach to*

- socialization. In D. A. Goslin (Ed.), *Handbook of socialization theory and research* (pp. 347-480). Chicago, IL: Rand McNally.
- Lakoff, G. (2004). *Don't think of an elephant! Know your values and frame the debate: The essential guide for progressives*. White River Junction, VT: Chelsea Green.
- Lieberman, M. (2013). *Social: Why Our Brains are Wired To Connect Together*. Crown.
- McAdams, D. P., Albaugh, M., Farber, E., Daniels, J., Logan, R. L., Olson, B., et al. (2008). Family metaphors and moral intuitions: How conservatives and liberals narrate their lives. *Journal of Personality and Social Psychology*, 95, 978–990.
- Shweder, R. A., Mahapatra, M., & Miller, J. (1987). Culture and moral development. In J. Kagan & S. Lamb (Eds.), *The emergence of morality in young children* (pp. 1-83). Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Suhler, Christopher L. and Patricia Churchland (2011). "Can innate, modular "foundations" explain morality? Challenges for Haidt's moral foundations theory." *Journal of cognitive neuroscience* 23, 2103-2116.